

بزرگان و جام قهرمانی، لازم و ملزوم یکدیگرند



حذف خیرساز برزیل در مرحله یک‌چهارم نهایی جام جهانی ۲۰۱۸ به دست بلژیک که این تیم اروپایی را راهی نیمه‌نهایی کرد. پرونده ناکامی تیم‌های اسم و رسم‌دار را در این مسابقات کامل کرد و نشانه و تأکید تازه‌ای بر پایان حکومت مطلقه این تیم‌ها بود.

مرحله نیمه‌نهایی در حالی از راه رسید که از میان «قدرت»های سخت‌این ورزش فقط فرانسه و انگلیس باقی‌مانده بودند و صغی طولانی از نامداران حذف شده شکل گرفته بود.

صغی که آلمان، آرژانتین، اسپانیا، پرتغال و اروگوئه را هم در برگرفت و اگر به گستره‌ای دورتر و دیدارهای انتخابی این جام بنگریم اسم ایتالیا را هم می‌یابیم که اصولاً مسافر روسیه نشد و همچنین نام شیلی را که مجوز نگرفت و اسم هلند را که در ادامه نزول شکرگرفش در سطح ملی راهی به مرحله نهایی جام جهانی ۲۰۱۸ نیز نیافت.

مثبت و منفی

حذف نشدن سلسله‌وار بزرگان جهان فوتبال و صعود برخی تیم‌های درجه دوم مانند دانمارک، کرواسی، روسیه، سوئد، سوئیس و کلمبیا به یک هشتم و یک‌چهارم نهایی این مسابقات، مسئله‌ای درس‌دهنده و عبرت‌آموز و دارای جوهری مثبت و منفی است. مهم‌ترین وجه مثبت ماجرا و یکی از یادگارهای جام بیست و یکم از بین رفتن حاشیه امنیت نه چندان واقعی و ریشه‌داری است که بزرگان برای خود حس می‌کردند و مطمئن بودند که برای تیم‌های کوچک‌تر دست نیافتنی‌اند و در بدترین حالت خود نیز حداقل به نیمه‌نهایی خواهند رسید. وقایع جام بیست و یکم بر این باور کاذب خط بطلان کشید و به بزرگان گوشزد کرد تا زمانی که با تمام وجود نچنگند و افکار و طرح‌های تازه‌ای را به کار نگیرند، جایی بین خوشبخت‌ها نخواهند یافت و به کوچک‌ترها این امید بزرگ را بخشید که اگر از نام‌های بزرگ نهراسند و واقعاً تلاش کنند و از جان مایه بگذارند به بسیاری از

توفیق‌های دور از انتظار خواهند رسید و می‌توانند بزرگان را متوقف و برای خود و طبقه و تبار خویش کسب اعتبار کنند و یکی از سرآمدن این طیف در آوردگاه روسیه تیم ملی ایران بود که دیدیم و دیدید چطور قهرمانه با امثال اسپانیا و پرتغال جنگید و چون از آنها نترسید، تا مرز صعود به مرحله حذفی هم پیش رفت.

باورهای زیبای رنگ باخته

در عین حال وجه بد حذف نامداران رنگ باختن باورهای ظاهرآ زیبایی است که سال‌ها است در فوتبالدوستان ریشه دوانده و قصه‌های شیرینی را برایشان بازگو کرده است. کیست که بتواند منکر جوگو بونیتو یا همان واژه فوتبال زیبا شود که تا ابد به برزیل اطلاق شده است و حتی پریشب به هنگام حذف شدن به دست بلژیک در روش باز و دستور کار آنها نمود آشکاری داشت. چه کسی می‌تواند حماسه‌های ضمنی دیه‌گو مارادونا

در ترکیب آرژانتین در سال‌های ۱۹۸۶ و ۱۹۹۰ و یا نقش و نگار لیونل مسی در آرایش همین تیم در ۸ سال اخیر را از یاد ببرد و یا فراموش کند که تیکی تاکای فاتح جام جهانی ۲۰۱۰ چه سلاح کارسازی برای فوتبال اسپانیا بود و چگونه هلند در دوسه مقطع زمانی به سه عنوان نایب‌قهرمانی جهان دست یافت و تیم سال ۱۹۷۴ آنها با هدایت رینوس میشل و با فرماندهی یوهان کروف و درخشش یوهان نیسکنس، ویم سوربیه، رودس کردل آری مان و خیاتی رپ از کاندیداهای جدی تصاحب عنوان بهترین تیم ملی تاریخ به رغم ناکامی آن تیم در بازی فینال آن رقابت‌ها برابر تیم مصمم و زرنگ و برنامہ‌دار آلمان غربی است.

افسانه‌های زندگی

فوتبال با افسانه‌های فرانسه در جام‌های ۱۹۹۸ و ۲۰۰۶ شیرین‌تر شد و با فینال‌های حس‌انگیزانه و منجر به قهرمانی ایتالیا در جام‌های

کدام فینال بهتر بود؟

این آمارها و رکوردها بیهوده به دست نیامده و همان‌طور که نفرات و تیم‌ها به درخشش در جام جهانی نیاز دارند تا تبدیل به بت شوند. جام‌های جهانی نیز به استمرار درخشش بت‌ها احتیاج دارند تا «جام جهانی» بمانند و این دو لازم و ملزوم یکدیگرند و فرض کنید فینالی متشکل از کرواسی و بلژیک تا چه حد می‌تواند جذاب باشد و یا اگر برزیل با آرژانتین یا برزیل با آلمان یا فرانسه با اسپانیا در فینال رودرو می‌شدند چه هیجان بزرگتری خلق می‌شد.

این بدان معنا نیست که ما مجبور و محکوم به دیدن فینال‌های تکراری بین بزرگان سنتی این ورزش هستیم اما فقط شیرین‌تر خواهد بود که آنها را از نودر ایامی ببینیم که توانایی بهره‌گیری از همه قدرت و توان ذاتی و فراوان خویش را دارند. مسئله‌ای که در جام جهانی ۲۰۱۸ رویت نشد و اسباب تأسف گشت.



Mohammad Karamali